

دوفصلنامه علمی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)  
سال هجدهم / دوره جدید / شماره ۵۹ / بهار و تابستان ۱۴۰۲  
صص ۱۸-۲۹ (مقاله علمی - پژوهشی)

# بازخوانی سیاست تقریبی بینامذاهب نادرشاه افشار (مطالعه موردی مجمع نجف)



• ماجد صدقی

دکترای تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خوارزمی

m1351s@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۷/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۵

## چکیده

اصطلاح «تقریب مذاهب اسلامی»، پارادیمی (چارچوب تصویری) است که ریشه در تاریخ امت اسلامی دارد. گرچه این اصطلاح در دوران معاصر و با جنبش «دارالتقریب» پدید آمد؛ اما مسئله آن چیزی نبوده است که در گذشته، اندیشمندان و سیاستمداران مسلمان از آن غافل باشند. دوران قرن دوم هجری که منجر به تغییر خلافت گردید و نیز ورود اندیشه‌های مختلف به سرزمینهای اسلامی منجر به شکل‌بندی فرق و مذاهب مختلف در حوزه دین اسلام و در نتیجه پدید آمدن اختلافات و نزاعهای جدی و دامنه‌دار شد. از میان افراد و اندیشمندانی که در صدد کاهش این اختلافات برآمدند، این مقاله به سیاست دینی نادرشاه افشار می‌پردازد و هدف از آن تبیین و تحلیل نگاه بینامذهبی نادرشاه به منظور کاهش درگیریهای میان دولتهای اسلامی و افزایش ارتباطات بین آنها در بستر تاریخ است.

کلیدواژه‌ها: تقریب مذاهب اسلامی، نادرشاه افشار، مجمع نجف.

## مقدمه

را در دربار قزوین طی نماید و تبدیل به کلیدی‌ترین چهره نظامی آن دوران شود. بر اساس همین کاردانی بود که سرانجام موفق شد به سلطنت صفویه که عملاً فروپاشیده بود پایان دهد (۱۰۴۸هـ.ق / ۱۷۳۶م) و حکومت خود را مبتنی بر ساختاری نظامی در ایران تأسیس کند.

می‌توان گفت که نادر شاه افشار اولین حاکم در جهان اسلام بود که موضوع تقریب بین مذاهب اسلامی را به طور جدی دنبال نمود. کاری که بعدها در تاریخ اندیشه اسلامی به عنوان «تقریب زود هنگام مذاهب اسلامی» ثبت شد (ساعدی، موسوعة اعلام الدعوة و الوحدة و الاصلاح، ۱۴۳۱ق، ص ۵۹۰). نادرشاه در آغاز حکومت سعی نمود که اختلافات مذهبی بین شیعه و اهل سنت را کاهش دهد و در اولین گام دستور داد که سب برخی صحابه حضرت رسول (ص) ممنوع شود. مذاکراتی را با عثمانیها شروع کرد که مذهب جعفری به عنوان پنجمین مذهب اسلامی همانند مذاهب چهارگانه به رسمیت شناخته شود. همچنین پیشنهاد نمود که برای حاجیان ایرانی همانند حاجیان مصری و شامی یک امیر حج تعیین شود. هدف او کاهش اختلافات مذهبی یا تسویه آنها به منظور نیل به وحدت اسلامی و امت واحده بود (نک ساعدی، المعجم الوسيط فيما يخص الوحدة و التقريب، ۱۴۳۱ق، ج ۲، صص ۳۴۴-۳۴۶ و سید، ۲۰۰۷م، صص ۶۵۲-۶۵۳). به منظور بررسی و تحلیل هدفمند رفتارهای نادرشاه از تقریب مذاهب اسلامی باید بدانیم که منظور از تقریب بین مذاهب اسلامی چه می‌باشد و بعد با توجه به آن سیاست مذهبی نادرشاه افشار مورد بررسی قرار گیرد.

## تعریف مفاهیم

مفهوم «تقریب مذاهب اسلامی» از دو بخش تشکیل شده است: «مذاهب اسلامی» و «تقریب»؛ برای درک و فهم این مفهوم در ابتدا مذاهب اسلامی تبیین می‌شود تا مراد از تقریب آنها مشخص شود. از لحاظ لغوی

سلسله صفویه که با سلطنت شاه اسماعیل اول (۹۰۷هـ.ق/۱۵۲۶م) آغاز و بر مبنای ایدئولوژی تصوف و شیعه بنا شد. در این دوران به منظور تثبیت جایگاه حکومت و مبارزه با سایر حکومتها، تشیع به صورت افراطی تشویق گردید (نک عسگری، ۲۰۰۲م، صص ۶۳-۹۲). در واقع می‌توان گفت که سیاست مذهبی شاه اسماعیل ایجاد ساختار جدید به منظور ایجاد حکومتی باثبات بود که هیچ‌کس نتواند ادعای خاندان صفوی را در مورد سلطنت به چالش بکشد (نک راوندی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، صص ۳۸۲-۳۸۵). اقداماتی مانند تخریب قبر ابوحنیفه، توهین به مقدسات اهل سنت و سب خلفای سه‌گانه که منجر به تحریک دولت عثمانی و کنار گذاشتن سیاست عدم ورود به سرزمینهای اسلامی (لوئیس، ۱۳۵۰ش، صص ۴۲-۴۶) و فتاوی مختلف مفتیان اهل سنت در مورد شیعیان و نیز فتوای متقابل گردید. این امر منجر به درگیریها و جنگهای خانمان سوز میان دو دولت بزرگ جهان اسلام به مدت صدویست سال شد که «صلح ذهاب» (۱۰۴۹هـ.ق / ۱۶۳۹م) تا حد زیادی به آن پایان داد. ضعف سلسله صفویه منجر به قیام افغانها و فروپاشی حاکمیت متمرکز و نظامی گردید که توسط شاه عباس اول بنیاد نهاده شده بود و بر پای اتحاد میان نهاد روحانیت مبتنی بر اخباری‌گری و نهاد قزلباش در ایران پایه‌گذاری شده بود (قیصری، ۱۳۷۵ش، ج ۷، صص ۱۶۰-۱۶۲).

شاه طهماسب دوم که سلطنت خویش را در قزوین اعلام کرده بود، شروع به جمع‌آوری نیروهای نظامی و مدنی برای استقرار نظام قبلی نمود. این وضعیت منجر به ظهور سرداران مختلفی گردید که برخی از آنها در ذیل نهاد قزلباش قرار نداشتند یا احساس تعلقی به این نهاد در خود احساس نمی‌کردند. یکی از این سرداران «نادر قلی بیگ» بود. او در سایه تواناییهای شخصی خویش موفق شد که به سرعت پایه‌های ترقی





مذاهب اسلامی را می‌توان گرایشهای خاص و منحصر به فردی در قرائت مفاهیم دینی دانست که موجب تمایز می‌شوند (اتابکی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۸۳۰). همچنین به معنی راه و روش و نگاه خاص در فهم مسائل اعتقادی هم تعریف شده است (حسینی‌دستی، ۱۳۸۱ش، ج ۵، ص ۲۰۳۷). محمدعلی تسخیری مذاهب اسلامی را بخشی از مکاتب فقهی اسلامی می‌داند که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به کتاب و سنت باشند (تسخیری، ۱۳۸۳ش، ص ۲۱۸)؛ پس در واقع مذهب در دین اسلام عبارت از نگاه خاص گروهی از مسلمانان به دین و برداشتهای آنها بر اساس آموزه‌های کلام الله مجید و سنت حضرت رسول اکرم (ص) است.

«تَقْرِبُ» از ماده «قرب» ضد «بُعد» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۴۸ و قیّم، ۱۳۹۷ش، ص ۳۰۳) به معنی نزدیک کردن و نزدیک گردانیدن (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ج ۱۱، ص ۱۷۴۹۵) و نیز به معنی نوعی رفتن و دویدن (که کنایه است از نزدیک شدن) آمده است (شرتونی، ۱۴۰۳ق، ص ۹۷۷). همینطور تقریب از باب تفعیل به معنی نزدیک کردن دو چیزی است که از هم دور افتاده‌اند (تسخیری، اندیشه تقریب، ۱۳۸۵ش، ص ۲۲)، مطهری آن را اتحاد مذاهب اسلامی در عین حفظ اختلافات مذهبی در برابر بیگانگان می‌داند (مطهری، ۱۳۸۹ش، ص ۲۷)، دسوقی از نظریه پردازان نزدیک به اخوان المسلمین آن را تلاش برای شکستن تعصبات و فراخواندن امت اسلامی به محور ایده مشترک و کلمه واحد بر اساس عقاید و مؤلفه‌های بنیادین دینی معنی می‌کند (رضوان‌طلب، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

تسخیری پابندی به بنیادها و اصول مسلم اسلامی و تلاش برای تقویت عرصه‌های توافق شده را از ارکان تقریب می‌داند (تسخیری، درباره وحدت و تقریب اسلامی، ص ۲۱۸) محسنی آن را همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی و معذور دانستن هم‌دیگر در

مورد اختلاف به استناد «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، ۱۰) می‌داند (آصف‌محسنی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۰۷). بر این اساس می‌توانیم تقریب مذاهب اسلامی را تلاش برای شکستن تعصبات و ارائه ایده مشترک تمام گرایشها و نگاهها و خطوط فکری جهان اسلام بر مبنای کلام الله مجید و سنت حضرت رسول اکرم (ص) با حفظ ساختار اعتقادی هر نحله فکری و عقیدتی تعریف نماییم. در واقع با این تعریف می‌توانیم همه تفاوتها و هم تقاطع مشترک را استخراج کنیم و راهی را ترسیم کنیم که در آن به جای کشمکش و درگیری، اهداف خداوند از نزول کلام الله مجید برای تعالی بشر و انسانیت محقق گردد.

### تقریب در تاریخ

با نگاه به تاریخ جهان اسلام و مطالعه حوادث تاریخی پی می‌بریم که مسئله تقریب در زمانهای گذشته هم مطرح بوده است. اولین بحث تقریب در زمان دومین خلیفه عباسی منصور مطرح گردید. منصور به مالک بن انس (موسس و پیشوای مذهب مالکی) پیشنهاد نمود مذهب او به عنوان مذهب رسمی در سرزمینهای خلافت اسلامی اعلام شود (طبری، ۱۹۷۷م، ج ۱۱، صص ۶۵۹-۶۶۰) مالک بن انس به دلیل جدید بودن ارکان مذهب خویش و گستره نفوذ سایر مذاهب با این پیشنهاد مخالفت و حتی منصور را از اصرار بر این امر برحذر داشت.

با ترجمه آثار فلسفی و عرفانی تمدنهای پیشین و شرقی و تأسیس بیت الحکمه، مباحثات عقیدتی و فکری در جهان آن روز اسلام شکل گرفت. دربار هارون‌الرشید از لحاظ تاریخی بزرگ‌ترین مجمع نخبگان بود و سابقه نداشته است که این همه اندیشمندان و نظریه‌پرداز و شاعر در درباری جمع شده باشند (دورانت، ۱۳۹۹ش، ج ۱۳، ص ۲۵۵) به منظور ایجاد کاهش تبعات این امر و دادن فرصت به رهبران مکاتب



فکری، مأمون الرشید نیز مجالس متعددی را تشکیل داد (رضوان‌طلب، ۱۳۸۵ش، صص ۳۶-۴۰) ولی حمایت دستگاه خلافت و شخص مأمون از معتزله و به دنبال آن دوران «المحنه» اثرات این بحث و گفت‌وگو را از بین برد (نک صابری، ۱۳۸۳ش، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۵۰)، مجالسی که زمان آل بویه تشکیل گردید بیشتر تولید اندیشه دینی بود (نک صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ۱۳۷۸، صص ۲۵۹-۳۵۵) و در تقریب مذاهب اسلامی نه تنها اثری نداشت، بلکه باعث دعوت از غزنویان و سپس سلجوقیان جهت وحدت سرزمینهای اسلامی گردید (صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ۱۳۷۸ش، صص ۱۳۶-۱۳۹). مطلبی که منصور دومین خلیفه عباسی در مورد وحدت مذهبی (نه تقریب مذاهب اسلامی) در نظر داشت توسط امارت و سپس سلطنت سلجوقیان بزرگ در سرزمینهای شرقی خلافت اسلامی ایجاد گردید. در ابتدا هدف تقریب مذاهب اسلامی، وحدت نگاه مذهبی خلافت عباسی و فاطمی بود. ولی با عدم توافق، تصمیم‌سازان سلجوقیان برای وحدت مذهبی در سرزمینهای خود هم‌رای شدند و خواجه نظام‌الملک با تأسیس مدارس نظامیه و تربیت آموزگار، قاضی، افراد دیوانی، سخنور، مبلغ و... بر مبنای نگاه فکری اشعری و فقهی شافعی در وحدت مذهبی کوشید. اندیشه ایران‌شهری نظام‌الملک که علاوه بر تشکیل نهاد سلطنت در ایران بعد از چهارصد سال و اندی از پذیرش اسلام، راهگشای وحدت مذهبی مورد نظر او و سایر اندیشمندان سلجوقی بود (نک ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۵ش، صص ۵۳-۷۵).

شاید هم نادرشاه به این دلیل قصد تقریب را داشت. او در «مجلس مغان» اولین شرط خود را ترک سب خلفای سه‌گانه (در واقع قیام علیه نگاه اخباری‌گری در مذهب تشیع) (قیصری، ۱۳۷۵ش، ج ۷، صص ۱۶۰-۱۶۲) و درخواست احتساب مذهب جعفری به عنوان مذهب پنجم در کنار سایر مذاهب چهارگانه اهل سنت را نمود (محیط‌طباطبایی، ۱۳۵۰ش، صص ۱۷۴)؛ به این دلیل است که از او را اولین منادی تقریب در میان مذاهب جهان اسلام نام می‌بریم. فردی که معتقد بود نمی‌شود مذاهب را با هم یکی نمود و باید همه را آن طور که هستند قبول کرد و بر اشتراکات آنها تأکید نمود تا اختلافات نمود پیدا نکند. در ادامه مقاله نحوه به سلطنت رسیدن نادرشاه را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا مسئله تقریب مذاهب اسلامی از نگاه او در بستر تاریخ مشخص شود.

### تقریب مذاهب اسلامی هنگام سلطنت نادرشاه و شورای مغان

نحوه به سلطنت رسیدن نادرشاه (۱۱۴۸هـ.ق/

۱۳۸۵ش، صص ۳۶-۴۰) ولی حمایت دستگاه خلافت و شخص مأمون از معتزله و به دنبال آن دوران «المحنه» اثرات این بحث و گفت‌وگو را از بین برد (نک صابری، ۱۳۸۳ش، ج ۱، صص ۱۳۳-۱۵۰)، مجالسی که زمان آل بویه تشکیل گردید بیشتر تولید اندیشه دینی بود (نک صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ۱۳۷۸، صص ۲۵۹-۳۵۵) و در تقریب مذاهب اسلامی نه تنها اثری نداشت، بلکه باعث دعوت از غزنویان و سپس سلجوقیان جهت وحدت سرزمینهای اسلامی گردید (صفا، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ۱۳۷۸ش، صص ۱۳۶-۱۳۹).

مطلبی که منصور دومین خلیفه عباسی در مورد وحدت مذهبی (نه تقریب مذاهب اسلامی) در نظر داشت توسط امارت و سپس سلطنت سلجوقیان بزرگ در سرزمینهای شرقی خلافت اسلامی ایجاد گردید. در ابتدا هدف تقریب مذاهب اسلامی، وحدت نگاه مذهبی خلافت عباسی و فاطمی بود. ولی با عدم توافق، تصمیم‌سازان سلجوقیان برای وحدت مذهبی در سرزمینهای خود هم‌رای شدند و خواجه نظام‌الملک با تأسیس مدارس نظامیه و تربیت آموزگار، قاضی، افراد دیوانی، سخنور، مبلغ و... بر مبنای نگاه فکری اشعری و فقهی شافعی در وحدت مذهبی کوشید. اندیشه ایران‌شهری نظام‌الملک که علاوه بر تشکیل نهاد سلطنت در ایران بعد از چهارصد سال و اندی از پذیرش اسلام، راهگشای وحدت مذهبی مورد نظر او و سایر اندیشمندان سلجوقی بود (نک ترکمنی‌آذر، ۱۳۸۵ش، صص ۵۳-۷۵).

با هجوم مغولان و حوادث بعدی ناشی از این هجوم، وحدت مذهبی به فراموشی سپرده گردید. در دوران حاکمیت مغولان اندیشه‌های صوفی و نگاه آن در جامعه اسلامی رواج یافت. تشکیل خانقاه‌ها در سرزمین‌های شرقی خلافت و عدم توجه به سیاست و نگاه مراد و مریدی و نیز ورود اندیشه‌های جدید و عدم توانایی مذاهب اسلامی برای تفسیر آنها، موجب



۱۷۳۶م) در منابع و مأخذهای مرتبط با آن دوران نوشته شده است (نک استرآبادی، جهانگشای نادری، ۱۳۷۷ش، صص ۳۷۱-۳۹۷؛ استرآبادی، دره نادره تاریخ عصر نادرشاه، ۱۳۸۵ش، صص ۳۸۵-۳۶۸؛ قزوینی، ۱۳۶۷ش، ص ۱۵۰؛ گراتنوفسکی، ۱۳۵۹ش، صص ۲۹۰-۲۹۹؛ اکسورثی، ۱۳۸۵ش، صص ۲۸۱-۲۸۴؛ سایکس، ۱۳۸۰ش، ج ۲، صص ۳۶۴-۳۶۸؛ ملکم، ۱۳۸۰ش، ج ۲، صص ۴۷۷-۴۷۹)، یکی از ویژگیهای این سلطنت، حذف صبغه دینی و مذهبی آن و تبدیل آن به سلطنتی سرزمینی و مبتنی بر رای نخبگان کشوری، زمین دار، ایلاتی، بازرگان، مذهبی، دینی، نظامی بود (میرنیا، ۱۳۶۹ش، ص ۳۷) انتخاب دشت مغان در ملتقای ارس و کورا منطقه مورد منازعه روسیه، عثمانی و شمخالان داغستان و خانات شروان و تالش برای این امر فوق العاده هوشمندانه بود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶ش، ج ۱۱، ص ۵۷۳). پیوند میان این افراد در آن مکان، توسط نخبگان نظامی انجام می‌گرفت.

نادر برای تشکیل دولت خویش و نشان دهنده راه نو، بر دین تأکید نمود. اگر عامل مذهب حذف شود، عامل ایجاد کننده بسیاری از جنگها حذف می‌شود. اهمیت این رخداد عظیم زمانی مشخص می‌شود که به یاد آوریم که دولت صفویه، هم پرچم هدایت دینی و هم حراست دنیا و سرزمینی اتباع و رعایای خود را در دست داشتند. حال یک سردار جنگجو که در مقابل تبار سیصد ساله فرزندان شیخ صفی‌الدین اردبیلی با آن سبقه تاریخی و شجره‌نامه؛ هیچ مقبولیت و مشروعیت ندارد، آمده تا به سلطنت و ولایت صفویان خاتمه دهد و خود بنای سلطنت و رهبری مطلقه برافرازد. علاوه بر آن دعوت‌نامه‌هایی که ارسال شده بود بر مبنای «وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری، ۳۸) تأکیدی بر نگاه به کلام‌الله مجید به عنوان عامل اصلی فقه حکومت آینده بود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۶ش، ج ۱۱، ص ۵۷۳) زیرا نادر

می‌دانست بزرگ‌ترین مشکل او رابطه با عثمانی است. این رابطه می‌توانست سلطنت او و خاندانش را تثبیت یا منهدم کند. از نظر نادر، زمانی مناسبات با عثمانیها و سایر دولتهای اسلامی حل می‌شد که تشیع به صورتی که شاه اسماعیل تبیین کرده بود، تغییر یافته و به شکل شیعه دوازده امامی معتدل در می‌آمد. نادر برای حل این مشکل و از میان بردن علل منازعه میان ایران و عثمانی شرایطی را اعلام و به تصویب تمامی حاضران در شورای مغان رساند. هدف از این شرایط تقویت جبهه داخلی و اعلام تغییرات ماهوی حکومت جدید به باب‌عالی بود.

همان‌طور که قبل اشاره شد، دولت عثمانی بر مهاجرانی که از شرق اسلامی برای امور دیوانی می‌آمدند متکی بود. سیاست صفویه موجب شد که این امر متوقف شود و عثمانیها برای جبران آن به سمت سرزمینهای عربی هجوم آورند. این سیاست و لشکرکشی نادرشاه به هند و ترکستان غربی (ماوراء النهر) باعث تثبیت قدرت دربار افشاریه بر سرزمینهای اسلامی شرقی گردید که می‌توانست در آینده و در صورتی که عثمانیها با سیاست مذهبی نادر به توافق برسند، موجب تبادلات فرهنگی کنترل شده گردد. به این منظور لازم بود که نادر در ابتدا خیال خودش را از نهاد پر قدرت دیوانی - مذهبی که پشتوانه آن زمین‌داران فئودال بودند، راحت کند. عدم قبول سلطنت در ابتدا و شروط بعدی نادر همگی در این راستا قابل تفسیر است (میمندی نژاد، ۱۳۸۲، صص ۵۲۳-۵۲۶).

به هر حال چشمکهای نادر در باب‌عالی دریافت گردید و مذاکراتی در این باب آغاز شد. بر اساس مصوبات شورای مغان و نگاه تقریبی که ذیل وحدت مذاهب اسلامی دوران گذشته نمایندگان نادر درخواست به رسمیت شناخته شدن مذهب جعفری به عنوان پنجمین مذهب اسلامی، ایجاد رکن خاص برای آنها در کعبه و موافقت با تعیین مسئول حجاج

از سوی دربار ایران را نمودند (آرانوا و اشراقیان، ۱۳۵۶ش، ص ۱۵۷) این امر موجب مذاکرات و مباحثات جدی شد که به تشکیل جلسه‌ای میان علماء دو طرف گردید. تنها خروجی این جلسه معاهده سال ۱۱۴۹هـ/ق ۱۷۳۶م بود که بعدها به معاهده استامبول شهرت یافت و بر اساس آن عثمانیها سلطنت نادرشاه را در ایران به رسمیت شناختند و حجاج ایرانی بدون امیر الحجاج و داشتن رکن اجازه یافتند که تقریباً آزادانه به مکه بروند (رمضانی، ۱۳۸۶ش، صص ۶۴-۶۵ و هوشنگ‌مهدوی، ۱۳۷۵ش، صص ۱۶۳-۱۶۴). در مورد مذهب جعفری و به رسمیت شناختن شدن آن علی‌رغم موافق بودن برخی از اعضای دولت عثمانی مطلبی به میان نیامد (حائری، ۱۳۹۳ش، ص ۶۶) گرچه نادرشاه به تلاشهای خود ادامه داد که منجر به معاهده کردان گردید. مطلبی که می‌توان به عنوان یکی از نقاط مثبت و نگاهی ایدئولوژیک و نه سیاسی نادرشاه در بحث تقریب به آن اشاره کرد؛ چرا که اگر هدف او کسب مشروعیت و عدم جنگ با عثمانیها بود بعد از معاهده استانبول و شکست گورکانیان و خانات ترکستان غربی، آن را کسب نموده بود. اما ادامه سیاست تقریب مذاهب نشان دهنده نگاه اعتقادی نادرشاه به این مقوله می‌باشد، که از دل آن سرانجام مجمع مذهبی نجف متولد گردید؛ که در ادامه به شرح آن خواهیم پرداخت.

### سیاست مذهبی نادرشاه

برای بررسی سیاست مذهبی نادرشاه، باید نگاهی به سخنان اول در اجلاس بزرگان مملکت در دشت مغان داشته باشیم. او در این سخنانی سیاست مذهبی صفویه را به نقد کشید و تأکید نمود که نگاه شاه اسماعیل اول به مقوله مذهب عملاً شکسته خورده است. استناد او به معاهدات «صلح استانبول» (۹۹۹هـ/ق ۱۵۹۰) (بلان، ۱۳۷۵ش، ص ۸۴) و «ذُهاب» (۱۰۴۹هـ/ق ۱۶۳۹) بود. در هر دوی این معاهدات

پادشاهان صفوی (شاه عباس اول و شاه صفی) قبول کرده بودند که سب سه خلیفه اول ممنوع شود. هم‌چنین در این سخنرانی، به طور هوشمندانه‌ای میان تعالیم سلاطین صفویه و درباریان تفاوت و تمایز قائل شد و توده‌های مردم را ناچار به پیروی از این امر دانست. گرچه باید اشاره نمود که علماء شیعه (چه اصولی و چه اخباری) متأخر قبل از دوره نادر هم سب را در تعالیم شیعه نهی کرده‌اند (تاکر، ۱۳۹۷ش، صص ۶۰-۶۱)؛ سیاست مذهبی نادر و نگاه او به تقریب را می‌توان ارائه تفسیری بومی و ایرانی از شیعه دانست. نادر در جستجوی راهی بود که ایرانیان را از اعمال افراطی ضد اهل سنت دور کند، بدون این که ارزشهای اصلی مذهب شیعه تضعیف شود و از طرفی روابط او با اهل سنت که در چهار طرف سرزمین او قرار گرفته بودند را تقویت کند. به طور مثال تأکید بر ممنوعیت شعار «علی ولی الله» و تشویق زیارت اماکن مقدس مذهبی هم‌چون عتبات و حرم امام رضا(ع) بر این اساس بود (قدوسی، ۱۳۳۹ش، ص ۵۴۰)؛ تأکید روزافزون نادر بر زیارت اماکن مقدس و عتبات و بازسازی آنها هدفی متعالی داشت و آن عبارت بود از هویت بخشی به ایرانیان بدون این که منازعاتی با اهل سنت ایجاد کند (حزین، ۱۳۳۲ش، ص ۲۵۲)؛ این هویت بخشی می‌باید در مجمعی همانند مجمع مغان - که او را به صورت هماهنگ به سلطنت انتخاب کرد - مورد تأیید علماء شیعه و اهل سنت قرار گیرد. لازمه این امر یک نبرد و پیروزی نظامی بود. عثمانیها بعد از پیروزیهایی که در اروپا به دست آورده بودند، با عدم تمایل خویش و صدور فتوای علیه شیعیان این بهانه عالی را به نادر دادند (استرآبادی، جهانگشای نادری، ۱۳۷۷ش، ص ۳۸۵).

گرچه از لحاظ نظامی پیروزی خاصی برای نادر به ارمغان نیامد؛ ولی مذاکرات آتش بس و صلح، منجر به نوعی تفاهم مذهبی ناشی از عدم پیروزی سرنوشت‌ساز دو طرف گردید. اجازه ورود نادرشاه به





بغداد تحت تسلط عثمانی، اقامت نادرشاه در کاظمیه و حرکت هوشمندانه نادرشاه در زیارت بارگاه ابوحنیفه (لاکهارت، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲)، همگی راه را برای تفاهم مذهبی باز نمود که در تشکیل اولین مجمع تقریب مذاهب اسلامی بین علماء شیعه و سنی در نجف نمودار شد.

### مجمع نجف به مثابه اولین همایش تقریب مذاهب اسلامی

بر اساس الگوی دشت مغان و هماهنگیهای صورت گرفته، نادرشاه، علمای اهل سنت در قلمرو خویش و ترکستان غربی و هند و نیز علمای شیعه ایران را به نجف دعوت نمود. «احمدپاشا» نماینده باب عالی در بین‌النهرین هم نماینده خویش «شیخ عبدالله سویدی» را به نجف فرستاد. سویدی در کتاب خودش شرح این گردهمایی را بیان کرده است (نک سویدی بغدادی، ۱۹۸۸م)، قبل از جلسات، نادرشاه با سویدی دیدار نمود و نگاه خود را برای او بیان کرد و سعی نمود که او را با خود هم‌داستان نماید. در این حین این مذاکره و سایر مکاتبات با احمدپاشا و صحبت‌هایی که در بغداد با علما و بزرگان داشت، به این نتیجه رسید که نمی‌تواند درخواست رکن پنجم را در مکه بقبولاند. بنابراین از آن پیشنهاد درگذشت و صحبتی به میان نیاورد. گرچه گروهی آن را ناشی از ضعف نادرشاه می‌دانند (آرانوا و اشراقیان، ۱۳۵۶ش، ص ۱۶۰)؛ ولی ورود نادرشاه به بغداد و نحوه استقبال مقامات عثمانی از او، بیان‌گر تغییر نگاه باب عالی - همان‌طور که قبلاً اشاره شد - می‌باشد. مهم‌ترین هدف نادر جلوه‌گیری از ایجاد جنگ بر اساس مذهب بود (مینورسکی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۳۸) و به همین منظور علمای اهل سنت و شیعه را در یک‌جا جمع کرد. همین امر هم تا آن تاریخ در جهان اسلام بی‌سابقه بود و هیچ‌کس نتوانسته بود فقهای چهارگانه اهل سنت و فقهای اخباری و اصولی شیعه را در یک مکان و با یک هدف گردآورد.

این گردهمایی در زمستان ۱۱۵۶ (۱۲ دسامبر ۱۷۴۳) و از ۲۵ شوال در پشت مرقد امام علی (ع) آغاز گردید (سویدی‌بغدادی، ۱۹۸۸م، ص ۹). سویدی اسامی شرکت‌کنندگان را به شرح زیر آورده است: «ایران شامل علی اکبر ملباشی، آقاحسین مفتی رکاب، ملامحمد (امام جمعه شهر لاهیجان)، آقا شریف (از علماء مشهدالرضا)، میرزا برهان (قاضی شیروان)، شیخ حسین (مفتی ارومیه)، میرزا ابوالفضل (از علماء قم)، حاج صادق (از علماء جام)، سید محمدمهدی (امام جمعه اصفهان)، حاج محمد زکی (از علماء کرمانشاه)، حاج محمد التمامی (از علماء شیراز)، میرزا اسدالله (از علماء تبریز)، ملاطالب (از علماء مازنداران)، ملا محمدمهدی (نائب صدر در مشهدالرضا)، ملا محمداصداق (مفتی خلخال)، محمدمؤمن (مفتی استرآباد)، سید محمدمتقی (از علماء قزوین)، ملا محمدهسین (از علماء سبزوار)، سید بهاء الدین (از علماء کرمان)، سید احمد (مفتی الشافعی کرد)، افغانستان شامل: ملا حمزه قلنجانی (حنفی و مفتی افغانی)، ملا امین افغانی قلنجانی فرزند ملا سلیمان قاضی افغانی، ملا طه افغانی (حنفی و مدرس در نادرآباد)، ملا دنیا الخلفی (حنفی)، ملا محمदनور افغانی قلنجانی (الحنفی)، ملا محمدعبدالرزاق افغانی قلنجانی (حنفی) و ملا ادريس افغانی ابدالی (حنفی). ترکستان (ماورا النهر) شامل: علامه هادی خوجه ملقب به بحرالعلم فرزند علاء الدین بخارایی (قاضی در بخارا و حنفی)، میرعبدالله صدور بخارایی (حنفی)، قلندر خوجه بخارایی (حنفی)، ملا امید صدور بخارایی (حنفی)، پادشاه میرخوجه بخارایی (حنفی)، میرزا خوجه بخارایی (حنفی)، ملا ابراهیم بخارایی (حنفی)» (سویدی‌بغدادی، ۱۹۸۸م، صص ۳۲-۳۳). با توجه به این که فقه حاکم بر سرزمینهای عثمانی حنفی بود؛ لذا دعوت از علمای حنفی طبیعی به شمار می‌رفت. شاید هم فتوای شیخ الاسلام عثمانی علیه شیعیان که خود حنفی بود، در این امر موثر بود.

در جریان این اجلاس، علی‌اکبر ملاباشی، عالی‌ترین مقام مذهبی شیعه دربار افشاریه، با مهارت اجلاس را اداره می‌کرد. گرچه سویدی، ریاست اجلاس را بر عهده داشت؛ اما در واقع عدم اصرار علی‌اکبر ملاباشی بر موارد بحث برانگیز موجب رسیدن این اجلاس به سرانجام بود (مینورسکی، ۱۳۸۷ش، صص ۲۲۸-۳۳۹)؛ سرانجام پس از چند روز مذاکره و بحث، بر روی چهار بیانیه به توافق رسیدند و بیانیه‌ها در حرم علی بن ابی‌طالب (ع) که هم امام اول شیعیان و هم خلیفه چهارم مسلمانان بود در سال ۱۱۵۶ هـ.ق / ۱۱۴۳ م به امضا رسید. در این بیانیه‌ها پیشنهادات مذهبی نادر حول محور تقریب مذاهب اسلامی و دوری از تفرقه مورد تصویب قرار گرفت. در اولین بیانیه نادرشاه تعهد خود را به الزام از جلوگیری از سب به خلفا سه‌گانه راشدین اعلام کرد و مجازاتی را برای کسانی که این امر را رعایت نمی‌کنند مقرر نمود. این بیانیه توسط علمای شیعه ساکن ایران و عتبات در بیانیه دیگری مورد تأیید قرار گرفت. در بیانیه‌های سوم که توسط علمای افغانستان و چهارم که توسط علمای ترکستان غربی صادر گردید که در آن شیعیان را مسلمان دانستند (حائری، ۱۳۹۳ش، ص ۶۶ و استرآبادی، جهانگشای نادری، ۱۳۷۷ش، صص ۳۸۵-۳۹۴).

به این ترتیب نادر توانست در اولین گام، مهم‌ترین مشکل آن روز جامعه اسلامی که دیوار نفرت و تفرقه مذهبی بود تا حد زیادی برطرف کند. اقامه نماز بعد از این بیانیه‌ها (که جمع آن را پنج هزار نفر حدس می‌زنند) و خطبه‌ای که نادر قرائت کرد که در ابتدا بر سلطان عثمانی به عنوان خلیفه مسلمین درود فرستاد و فضایل اهل بیت را در کنار فضایل سه خلیفه اول شرح داد (مینورسکی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۳۹) نشان از شروع عصری جدید می‌داد که در «معاهده کردان» تا حدی موفق شد که تسامح را وارد جهان اسلام کند. گرچه مرگ نادر این تقریب را ناتمام گذاشت ولی منجر به بازتولید اندیشه بینامذهبی در سپهر فقه سنت و فقه

تشیع گردید. در نبود دشمن مذهبی و نگاه برادرانه به سایر مسلمانان، موجب توجه به مبانی عقلی مذهب گردید. مطلبی که از دل آن در سپهر تشیع موجب قدرت یافتن نگاه اصولی گردید و در سپهر اهل تسنن موجب تولید فقه سلفی در حجاز که بعدها به هند و افریقا گسترش یافت گردید (حسینی، مفتخری و صدقی، ۱۴۰۰ش، صص ۳۸۵-۴۰۲).

به دنبال این مجمع، مذاکرات بین دو طرف ادامه یافت تا سرانجام به در «معاهده کردان» (۱۱۵۹ هـ.ق / ۱۷۴۶م) نمود یافت. این معاهده، جایگاه ایران را در یک نظام نوظهور در روابط بین‌الملل نسبت به سایر کشورهای مسلمان و در قیاس با هر توافق قبلی عثمانی-صفوی به طور واضح‌تری آشکار کرد. این توافق معیارهایی را برای مرادفات بعدی عثمانی و ایران در قرن بعدی و فراتر از آن تنظیم کرد. در حقیقت این توافق در نبود «قانون بین‌المللی» و رسمی، روابط بین ایران و دولت‌های خودمختار مسلمان امپراتوری عثمانی را عادی ساخت و روشی در چگونگی مرادفاه فرمانروایان دولتهای مسلمان با یک‌دیگر ایجاد کرد که تا کنون ادامه یافته است. در این معاهده، دولت عثمانی حقوق شیعیان ایران در مقام مسلمان و هم‌کیش و ایران در جایگاه بخشی از دارالاسلام به رسمیت شناخت و بدون این که مصالحه‌ای برای مشروعیت شناختی سلطان عثمانی در مقام مدافع اصلی تسنن و متولی دو مکان مقدس حاصل شود.

با شکل‌گیری رابطه‌ای آشکار، دولت نادر و عثمانیها به منابه بزرگ‌ترین بخشهای مستقل در امت اسلامی، وجود حکومت مستقل به عنوان بخشی از امت اسلامی مورد توافق قرار گرفت. مطلبی که در گذشته فقط شامل مناطقی بودند که توسط موانع جغرافیایی همانند اقیانوس یا دریا از هم جدا می‌شدند. این تمایل ایران و امپراتوری عثمانی برای همکاری روزافزون با یک‌دیگر، همان چیزی بود که به تدریج نظیر آن میان ملت‌های اروپایی ایجاد شد. به هر حال «مجمع نجف»





و «عهدنامه گردان»، راهی را برای هماهنگی آرمان دنیای مسلمانان متحد با قدرتهای مستقل مسلمان ارائه می‌داد.

اما راه‌حلهای سیاسی آن، تنها حاصل تلاش پایدار نادر به منظور یافتن یک شیوه مشروعیتی جدید نبود. نادر با خاتمه دادن به اهمیت انتساب به امام در تعیین مشروعیت سلطنتی، هسته مرکزی پیروان صفوی را دلسرد و از خود دور کرد، در حالی که تلاش او برای نزدیک‌تر کردن سنی و شیعه، به انحلال نهادهای روحانی شیعیان ایران کمک کرد که در طی سده پایانی حکومت صفویه، قدرت فراوانی را به دست آورده بودند. نادر با ایجاد تحول در شیوه تصاحب قدرت، تعدادی از روحانیون شیعه را واداشت تا برای اقامت خود مکانی دور در هند را جستجو کنند. واکنش در برابر پروژه مذهب جعفری او به شکل قابل توجهی شکاف میان روحانیت و سلطنت را در ایران گسترش داد که بسط آن، پیش از زمان حکومتش آغاز شده بود. این امر، تدریجاً به هنگام سلطه قاجار به پیدایش موقعیتی کمک کرد که «پادشاه یک بار دیگر مذهب را کامل‌تر کرده است به جای آن که جزیی از آن باشد.» هرچند نادر آشکارا هیچ‌گاه حق مسلم خود را برای پادشاهی اثبات نکرد، با این حال تلاشهایش برای انجام چنین کاری عواقب غیرقابل پیشبینی‌ای در پی داشت (تاکر، ۱۳۹۷ش، صص ۱۸-۱۹).

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه گردید، در دوران سلطنت نادرشاه و در جریان مبادلات سیاسی، مطلبی که بیش از همه به چشم می‌خورد، تأکید دربار نظامی ایران بر مراودات مذهبی با تکیه بر اصول ثابت دین اسلام بود. دربار ایران درخواست صلح از باب‌عالی را داشت و این را نه بر اساس قدرت نظامی استانبول (که آن هم واقعیتی بود ولی نه به توانایی صد سال قبل) بلکه بر مبنای دین اسلام و امت واحده مطرح می‌کرد. دلایل

مختلفی را می‌توان برای این تغییر نگاه ذکر نمود؛ ولی می‌توان آن را به ایجاد نظم نوین در ایران بعد از صفویه و طرح یک ایدئولوژی جدید برای حکومت جدید مطرح ساخت. در گذشته ارتباطات وسیعی میان بخش شرقی و غربی جهان اسلام وجود داشت و امکان چرخش نخبگان و مراودات علمی فراهم بود. بعد از به قدرت رسیدن صفویه تا حد زیادی این مراودات منقطع شده بود و دولتهای مستقل و در عین حال مدعی خاک دیگری ظهور یافته بودند که منجر به جنگهای خونینی (به عنوان نمونه در بین النهرین و قندهار) شده بود.

از سویی قدرت اصلی جهان اسلام (عثمان‌ها) در جریان نبردهای بیست و پنج ساله از اروپاییان شکست خورده بودند (پیمان کا). همه این عوامل دربار جدید نظامی ایران را به این نتیجه رساند که جنگ بر اساس مذهب نمی‌تواند موفقیتی ایجاد نماید. به همین منظور نادرشاه باب تقریب مذاهب اسلامی و به رسمیت شناخته شدن آنها به عنوان مسلمانی که در برخی از عقاید با سایر مسلمانان اختلاف دارند را مطرح کرد. در واقع مقتضیات سیاسی آن روز منجر به مراجعه به قرآن و نگاه امت واحده گردید. علاوه بر آن فتح سرزمینهای جدید در شرق و شمال که اکثریت آنها را اهل سنت تشکیل می‌دادند نیز در این تقریب موثر بود. در دوران صفویه میان نهاد سلطنت و نهاد روحانیت روابط عمیقی برقرار شده بود. در سلطنت نادرشاه این روابط دچار گسست شده بود و نادرشاه و سلسله جدید برای حفظ ساختار خویش نیازمند تولید مشروعیت جدید بود.

این مشروعیت جدید در نجف و در اعلامیه آن بروز یافت که بازتاب آن به رسمیت شناخته شدن اعتقادات فردی مسلمانان و عدم اصرار به تحمیل به یک مذهب بر سایر مذاهب اسلامی بود. در واقع می‌توان از مجمع نجف به عنوان «معاهده وستفالی اسلامی» نام برد. همان‌طور که در «معاهده وستفالی» مذهب

و قدرت سلاطین و امرای اروپا به رسمیت شناخته شد، در مجمع نجف هم این امر انجام گرفت. ولی با یک تفاوت: این که امضاء کنندگان معاهده و ستفالی سلاطین و امرا و امیراتوران اروپا بودند و در مجمع نجف علما. علما بودند که چارچوب دینی و مذهبی را تبیین کردند و آن را به سلاطین ارسال نمودند تا اجرا کنند. سلاطین هم بر این اساس حق حاکمیت هم‌دیگر را به رسمیت شناختند. به عبارت دیگر پس از ۱۱۰۰ سال از وفات پیامبر(ص) و ۸۵۰ سال از آغاز غیبت کبرای امام زمان (عج) این علمای جهان اسلام بودند که جهت‌گیری مذهبی و دینی را تعیین می‌کردند. دین اسلام هنوز به اصل خویش وفادار بود و دربارهای مختلف جهان اسلام در این مدت نتوانسته بودند در ماهیت اصلی آن اثرگذار باشند. سلطنت هنوز وام‌دار علما دین بود. فردی که موفق شد چنین ساختاری که

تا آن روز در جهان اسلام وجود نداشت، ایجاد کند، نادرشاه بود. نادرشاه می‌خواست به طرفداران نظام گذشته ثابت کند که سیاستهای گذشته جنگ را به همراه داشته است، اما او با این نگاه جدید، علاوه بر اتمام دویست سال برادرکشی و مسلمان‌کشی، امنیت و رفاه را برای ساکنان تحت قلمرو خویش ایجاد نمود و علاوه بر آن به سلطان عثمانی اجازه می‌داد که نیروهای خود را در اروپا و در برابر آنان متمرکز کرده که از ثمر آن می‌توانست برای خود در برابر اتباع سنی مذهب و ساکنان سرزمینهای شرقی اسلامی نوعی مشروعیت کسب نماید. این دلایل سیاسی باز هم نمی‌تواند بر نقشی که نادرشاه در تاریخ در تقرب مذاهب اسلامی و سازوکار آن و اصراری که بر انجام آن داشت سایه افکند.

## کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- اتابکی، پرویز (۱۳۸۰ش). *فرهنگ جامع کاربردی فرزندان عربی- فارسی: از دیرینه ایام عرب تا نوترین واژگان علم و ادب*. تهران: فرزندان روز.
- آرانوا، م. ر و اشراقیان، ک. ز (۱۳۵۶ش). *دولت نادر شاه افشار* (ترجمه حمید امین). بی‌جا: شبگیر.
- استرآبادی، میرزاهدی خان (۱۳۷۷ش). *جهانگشای نادری*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- همو (۱۳۸۴ش). *دره نادری تاریخ عصر نادرشاه*. تهران: علمی و فرهنگی.
- آصفی محسنی، محمد (۱۳۸۶ش). *تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل*. قم: ادیان.
- اکسورثی، مایکل (۱۳۸۸ش). *ایران در عصر نادر* (ترجمه سید امیر نیاکویی و صادق زیبا کلام). تهران: روزنه.
- بلان، لوسین لوئی (۱۳۷۵ش). *زندگانی شاه عباس* (ترجمه ولی‌الله شادان). تهران: اساطیر.
- بندر ریگی، محمد (بی‌تا). *المنجد*. تهران: ایران.
- تاکر، ارنست اس (۱۳۹۷ش). *نادرشاه و تلاش برای مشروعیت در ایران پس از صفویان* (ترجمه محمود مهمان نواز و نعمت‌الله زکی پور). یاسوج: دانشگاه یاسوج.
- ترکمنی‌آذر، پروین (۱۳۸۵ش). *سلجوقیان و اختلافات مذهبی و پیامدهای آن*. پژوهشنامه علوم انسانی، (۵۱)، ۷۴-۵۳.
- تسخیری، محمدعلی (۱۳۸۳ش). *درباره وحدت و*





- تقریب اسلامی. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- همو (۱۳۸۵ش). مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی. اندیشه تقریب، ۲(۷)، ۹-۲۴.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۶ش). تاریخ جامع ایران. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- حائری، عبدالهادی (۱۳۹۳ش). ایران و جهان اسلام: پژوهشهای تاریخی پیرامون چهره‌ها، اندیشه‌ها و جنبشها. مشهد: به نشر.
- حزین، محمدعلی بن ابی طالب (۱۳۳۲ش). تاریخ حزین. اصفهان: کتاب فروشی تأیید اصفهان.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۱ق). معارف و معاریف. قم: اسماعیلیان.
- حسینی، میرهادی، مفتخری، حسین، و صدقی، ماجد (۱۴۰۰ش). خاستگاه اندیشه سلفی جهادی و تکفیری در دوره معاصر. پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۵۴(۲)، ۳۸۵-۴۰۲. doi: 10.22059/jhic.2022.335711.654308
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷ش). لغت نامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
- دورانت، ویل (۱۳۹۹ش). تاریخ تمدن (ترجمه ابوطالب صارمی، ابوالقاسم پاینده و ابوالقاسم طاهری). تهران: علمی و فرهنگی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲ش). تاریخ اجتماعی ایران. تهران: نگاه.
- رضوان طلب، محمدرضا (۱۳۸۵ش). استراتژی تقریب. اندیشه تقریب، ۲(۷)، ۲۵-۴۴.
- رمضانی، عباس (۱۳۸۶ش). معاهدات تاریخی ایران: ۱۰۰ قرارداد تاریخی از دوره صفویه تا پایان دوره قاجاریه. تهران: ترفند.
- ساعدی، محمد (۱۴۳۱ق). المعجم الوسیط فیما یخص الوحده و التقریب. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- همو (۱۴۳۱ق). موسوعة اعلام الدعوة و الوحده و
- الاصلاح. تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰ش). تاریخ ایران (ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی). تهران: افسون.
- سویدی بغدادی، عبدالله بن حسین (۱۹۸۸م). مؤتمر النجف؛ الحجج القطعیة لاتفاق الفرق الإسلامیة. بغداد: مطبعة البصری.
- السید، فؤاد صالح (۲۰۰۷م). المعجم السیاسیین المغتالین فی التاریخ العربی و الإسلامی. بیروت: دار المناهل.
- شرتونی، سعید (۱۴۰۳ق). أقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- صابری، حسین (۱۳۸۳ش). تاریخ فرق اسلامی. تهران: سمت.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۸ش). تاریخ ادبیات ایران. تهران: فردوس.
- طبری، محمد بن جریر (۱۹۷۷م). ذیول تاریخ الطبری. قاهره: دارالمعارف.
- عسگری، نورمحمد (۲۰۰۲م). تشیع سرخ؛ شاه اسماعیل صفوی، روح الله موسوی خمینی. استکهلم: آرش.
- قدوسی، محمدعلی (۱۳۳۹ش). نادرنامه. بی جا: نشریه ملی آثار خراسان.
- قزوینی، ابوالحسن (۱۳۶۷ش). فواید الصفویه. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- قیصری، احسان (۱۳۷۵ش). اخباریان. دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷. تهران: بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- قیم، عبدالنبی (۱۳۹۷ش). فرهنگ معاصر عربی فارسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- گرانوفسکی، ادوین آرویدوویچ، داندامایو، م. آ، کاشلنکو، گ. آ، پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ، بلوی، ل. ک، و ایوانف، میخائیل سرگیهویچ (۱۳۵۹ش). تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز (ترجمه کیخسرو کشاوری). تهران: پویش.

- لاکهارت، لارنس (۱۳۵۷ش). نادرشاه (ترجمه و اقتباس مشفق همدانی). تهران: بی‌نا.
- لوتیس، برنارد (۱۳۵۰ش). استانبول و تاریخ امپراتوری عثمانی (ترجمه ماه‌ملک بهار). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مینورسکی، ولادیمیر فیودورویچ (۱۳۸۷ش). ایران در زمان نادرشاه (ترجمه رشید یاسمی). تهران: دنیای کتاب.
- اسدآبادی و بیداری مشرق زمین. قم: حوزه علمیه قم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش). بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر. تهران: صدرا.
- میرزا اسماعیل حیرت. تهران: افسون.
- میرنیا، سید علی (۱۳۶۹ش). از چوپانی تا سلطانی: زندگی نامه نادرشاه. مشهد: اردشیر.
- میمندی نژاد، محمدحسین (۱۳۸۲ش). زندگی پرماجرایی نادرشاه افشار. تهران: بدرقه جاویدان.
- مینورسکی، ولادیمیر فیودورویچ (۱۳۸۷ش). ایران در زمان نادرشاه (ترجمه رشید یاسمی). تهران: دنیای کتاب.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۵ش). تاریخ روابط خارجی ایران: از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم. تهران: امیرکبیر.

